

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۶
از صفحه ۴۱ تا صفحه ۵۸

مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه‌ی دینی مبتنی بر قرآن و حدیث

چکیده

هر مجموعه‌ای در مسیر حرکت خود به سوی کمال، با طراحی چشم‌اندازی مطلوب، نیل به اهداف اساسی خود را دنبال می‌کند. در میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی چشم‌انداز تربیتی جامعه‌ی دینی، مؤلفه‌های تربیتی، به سبب جهت‌دهی به اهداف چشم‌انداز، محوریت داشته و نگارنده بر آن اهتمام دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و نگارشی قرآنی-روایی، برای پاسخ دادن به این سؤال انجام شده است که مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه‌ی دینی کدامند؟ یافته‌های تحقیق حاکی از این است که رشد کمالات انسانی از غایات تربیتی جامعه‌ی دینی است و با در نظر گرفتن اصل زیربنابودن مسائل تربیتی در خلق چشم‌انداز جامعه‌ی دینی به غایت این اهداف، که کارآمدی مؤثرتر جامعه‌ی دینی در دنیای کنونی است، اشاره می‌کند. نتیجه آنکه، مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیتی جامعه‌ی دینی که در طرح چشم‌انداز نقش محوری دارند، در ابعاد چهارگانه‌ی: «دانایی، توانایی، زیبایی و نیکویی» تقسیم و با استناد به آیات و روایات بررسی شده‌اند.

سهراب مروتی

استاد گروه قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان (پردیس نسبیه) (نویسنده مسئول)

sohrab_morvati@yahoo.com

فرهاد علی باقی نصرآبادی

استادیار گروه مدیریت پژوهشگاه امام صادق (ع) قم

baqi1341@gmail.com

مهدی اکبرنژاد

دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه ایلام
m_akbarnezhad@yahoo.com

سید محمدرضا حسینی نیا

استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه ایلام
mohhos313@yahoo.com

عباس رسولی

دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

abbasrasuly@yahoo.com

کلید واژه:

مؤلفه‌های تربیتی، چشم‌انداز،

جامعه‌ی دینی، تربیت

انسان فطرتاً کمال‌طلب بوده و درصدد بالفعل کردن استعدادهای درونی خویش است، لذا با تلاش مستمر و تمسک به آموزه‌های دینی، به خلق چشم‌اندازی مطلوب جهت دستیابی به این هدف می‌پردازد. جامعه‌ای که با محوریت دین برپا شود، کمال‌بخش خواهد بود؛ زیرا دین، ضامن و عامل رشد و کمال انسان است و او را از زندگی نباتی و حیوانی به سوی حیات انسانی سوق خواهد داد. خدای متعال این حقیقت را که تنها دین می‌تواند تأمین‌کننده‌ی حیات ویژه‌ی انسانی باشد، این‌گونه بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال، ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و رسول را اجابت کنید هنگامی که شما را به آنچه به شما حیات می‌دهد، دعوت می‌کنند. علامه طباطبایی در این‌باره آورده‌اند: «کار دین رساندن انسان‌ها به مرحله‌ی بالاتر از حیات، یعنی حیات انسانی است، به‌طوری که هیچ‌کس بدون آن نمی‌تواند به این مرحله نائل شود، لذا کسانی که دیندار و اهل اجابت دین نیستند، دارای حیات هستند؛ ولی حیات مرحله‌ی گیاهی و حیوانی» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۲). از طرفی، مهم‌ترین وجه تمایز جامعه‌ی دینی از سایر جوامع، اهداف و دست‌آورد‌های آن در حوزه‌ی رفتاری و اخلاقی است (ملکاوی، ۱۳۸۰، ص ۴۲). میان ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی از یکسو و اهداف تربیتی جامعه‌ی دینی از سوی دیگر، روابط علیّ آشکاری وجود دارد (علم‌الهدی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸).

آنگاه که انسان در چارچوب نظام‌مند جامعه‌ی دینی تربیت یابد، به بالاترین غایت تربیتی که ظهور و بروز کمالات انسانی در اوست، خواهد رسید و فطرت کمال‌خواه او به کمال مطلوب می‌رسد؛ اما چنانچه کمالات انسانی در او ظهور نکنند، مؤلفه‌های تربیتی که در آفرینش او مدنظر بوده است، اعم از اندیشه‌ورزی، رفتار و کردار زیبا و گفتار نیکو نیز در وجود او تجلی نمی‌یابد. در این صورت، انسانی جلوه می‌کند که از محتوای انسانی به‌دور است. در برخی از رفتارهای حیوانی، از حیوانات هم پیشی می‌گیرد و از جز تباه‌گری، خشونت‌ورزی و خونریزی، عملی برمی‌خیزد.

قرآن کریم که مبنای چشم‌انداز تربیتی جامعه‌ی دینی است، مؤلفه‌های تربیتی متعددی را به‌منظور تربیت اخلاقی افراد جامعه ذکر کرده است. رسیدن به مقامات عالی و همنشین شدن با انبیاء، راستگویان، شهدا و نیکوکاران، بهترین منظری است که خدای متعال برای انسان به تصویر می‌کشد و شرط حصول آن را، اطاعت از فرامین و اوامر الهی و نبوی می‌داند و در این‌باره می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصّٰدِقِينَ وَ الشّٰهِدَاءِ وَ الصّٰلِحِينَ وَ حَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۹)؛ و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، در روز رستاخیز، همنشین کسانی خواهند بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و آنان همنشین خوبی هستند. پیشوایان دینی، در راه تبیین دین الهی و تشکیل جامعه‌ی دینی، بیشترین هم‌تشان بر این بوده است که موانع تجلی کمالات انسانی را، از پیش پای مردمان بردارند و زمینه‌ی لازم را برای رسیدن آنان به کمال فراهم کنند. با توجه به این چشم‌اندازی که خدای متعال در این آیه بیان می‌کند، برای ساختن يك جامعه‌ی انسانی مطلوب، نخست باید رهبران الهی وارد میدان شوند. به دنبال آنان، مبلغان صدیق که قول و عملشان با یکدیگر هماهنگ است، اهداف آنان را پیاده کنند و به دنبال این دوران سازندگی فکری، گروهی، در برابر عناصر آلوده و آنانی که مانع راه حق‌اند، وارد شوند و توانایی خود را به ظهور رسانند. محصول این

کوشش‌ها و تلاش‌ها، به‌وجودآمدن صالحان و اجتماعی دینی است که پاک و شایسته و منطبق با آموزه‌های دینی خواهد بود (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶۱).

ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین اصل جهت رسیدن به چشم‌انداز مطلوبی که قرآن کریم طراحی کرده است، نظام‌مند بودن و قرار گرفتن در چارچوب تربیتی مشخصی است که برای جامعه‌ی دینی تبیین شده است. آنگاه که انسان منطبق با آموزه‌های دینی در مسیر صحیح تربیت قرار گیرد، به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست می‌یابد و قله‌ی رفیع سعادت مطلوب را فتح می‌کند. رسالت همه‌ی پیام‌آوران الهی نیز همین بوده است که موانع تربیت فطری را از سر راه آدمیان بردارند و بستر مناسب حرکت آنان به سوی کمال مطلق را فراهم کنند.

پژوهش حاضر برای دستیابی به شبکه‌ی نهایی تربیت دینی و طبقه‌بندی ابعاد آن، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه‌ی دینی کدامند؟

پیشینه‌ی تحقیق

با بررسی آثاری که درباره‌ی فرهنگ و مباحث پیرامون آن تدوین شده است، به دست آمد که کتب و مقالات متعددی با جهت‌گیری‌های مختلف در این زمینه نوشته شده‌اند و برخی از ابعاد موضوع را ارزیابی نموده‌اند. شماری از موضوعات پژوهشی که درباره‌ی چشم‌انداز فرهنگی جامعه‌ی دینی بررسی شده‌اند، عبارتند از:

کتابی با عنوان «شاخص‌های فرهنگی انقلاب اسلامی» که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به رشته‌ی تحریر درآمده است. نویسندگان در این اثر، به بررسی برخی از مؤلفه‌های فرهنگی به‌طور بسیار کلی، با رویکرد اجتماعی پرداخته‌اند. همچنین کتابی با عنوان «از فرهنگ تا توسعه» توسط ناصر فکوهی منتشر شده که نویسنده در این اثر، توسعه‌ی جوامع بشری را با تبیین مبانی اقتصادی و سیاسی، نقد و تحلیل کرده است. کتاب «انسان و جامعه توسعه‌یافته از نظر اسلام» نوشته‌ی سید عباس نبوی است که به بررسی فرهنگ در عرصه‌های مختلف اعم از خانواده، مراکز تعلیم و تربیت و سایر نهادهای اجتماعی پرداخته است. بیوک علیزاده نیز در کتاب «جامعه مطلوب از دیدگاه حکمای اسلامی» آرمان‌شهرهای افلاطون، فارابی و شیخ اشراق را مقایسه و نقد و بررسی کرده است. «آینده بشریت از دیدگاه شهید مطهری» نیز کتابی در این باره از سید سعید حسینی است که طی چهار فصل، آرمان‌شهر را در گذر تاریخ ارزیابی کرده و نظرات موافقان و مخالفان جوامع آرمانی را بررسی نموده است.

با توجه به بررسی آثار انجام شده در این مجال، مشخص گردید پژوهشی مدون که مشتمل بر اهداف تربیتی چشم‌انداز فرهنگی در جامعه‌ی دینی منطبق با قرآن و حدیث باشد، به ثبت نرسیده است، لذا در پژوهش حاضر تلاش شده است برخی غایات و اهداف برجسته را که برگرفته از قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) هستند، بررسی و تبیین کند که در پرتو آن، نقشه‌ای جامع با عنوان چشم‌انداز فرهنگی جامعه‌ی مطلوب به منظور ارتقاء جامعه‌ی دینی به سمت کمال و تعالی ترسیم شود و در سایه‌ی آن، تکامل و سعادت جامعه‌ی بشری برگرفته از جوهره‌ی ناب شریعت اسلامی میسر و امکان‌پذیر گردد.

جهت روشن‌شدن مفاهیم کاربردی در این پژوهش ابتدا به بیان واژه‌های اساسی دخیل در آن می‌پردازیم:

۱. چشم‌انداز

این واژه در طول زمان، فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده است و متناسب با فرهنگ هر عصر، معنای سطحی، متوسط یا عمیقی را با خود حمل کرده است؛ از دیدن معمولی: «چشم‌انداز دیدگان او در منظره‌ی وسیع و باصفا» (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۸، ص ۴۸۰) تا دوران‌دیشی: «أَنه قَالَ لِأَبِي بَكْرٍ: أَخَذتَ بِالْحَزْمِ» (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۳۷۹)؛ به ابوبکر فرمود که دوران‌دیشی را رویه‌ی خود کن. برخی آن را برابر با واژگانی همچون «چشم‌افکن، منظره، دورنما» ترجمه کرده‌اند (معین، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۷۱۵؛ دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۸، ص ۴۸۸).

چشم‌انداز از جمله مفاهیمی است که در آموزه‌های دینی سابقه‌ی حضوری طولانی ندارد، لذا مراجعه به واژگان قرآنی که به نوعی با این واژه ارتباط معنایی دارند، ضروری به نظر می‌رسد. مهم‌ترین واژگان قرآنی که در ارتباط با مفاهیم آینده هستند و به نوعی با چشم‌انداز ارتباط معنایی دارند؛ عبارتند از: «الحزم: دوران‌دیشی در کارها و آماده شدن جهت مقابله با خطرات (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۳۷۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۳۹)؛ عاقبه: عاقبت هر امری به معنای پایان آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۹)؛ عسی به معنای طمع و امید است و مفهوم این واژه با نگاه به آینده همراه است، آینده‌ای که به تحقق آن امید است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۶)؛ التَّوَلَّى الاحادیث: این واژه نیز یکی از واژه‌های متشابه قرآنی است که درباره‌ی تعبیر مطالب در آینده آمده است و می‌تواند با مفهوم چشم‌انداز ارتباط معنایی داشته باشد: «وَ كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيَتَمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ» (یوسف، ۶)؛ و این چنین (نظیر انتخابت در این خواب) پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها و حدیث‌ها به تو می‌آموزد و نعمتش را بر تو تمام نمود. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «مقصود از احادیثی که خداوند تأویل آن را به یوسف^(ع) تعلیم داده بود، اعم از احادیث رؤیا است و بلکه مقصود از آن، مطلق وقایعی است که به تصور انسان درمی‌آید، چه آن تصوراتی که در خواب دارد و چه آن‌هایی که در بیداری. بین حوادث و ریشه‌های آن‌ها که از آن ریشه‌ها منشأ می‌گیرند و همچنین غایاتی که حوادث به آن غایات و نتیجه‌ها منتهی می‌شوند، اتصالی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و ممکن است بنده‌ای به اذن خدا به این روابط راه پیدا کرده باشد، به طوری که از هر حادثه‌ای حوادث بعدی و نتیجه‌ای را که بدان منتهی می‌شود، بخواند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۸۰).

از مجموع مفاهیمی که برای نشان دادن و ترسیم آینده به کار می‌رود، می‌توان گفت که ترکیب «تأویل احادیث» مناسب‌ترین واژه و معادل قرآنی آینده‌پژوهی است؛ زیرا وقتی انسان مُشرف بر وقایع پیش‌رو باشد به خوبی می‌تواند چشم‌اندازی را تدوین و تبیین کند که منطبق با اصول الهی و ارزش‌های جامعه‌ی دینی باشد. اگر برنامه‌ریزی مطابق با آگاهی نسبی از مسائل پیش‌رو باشد، از نتیجه‌ی بهتری برخوردار خواهد شد و از طرفی با استقبال بیشتری نیز روبرو می‌شود؛ زیرا هنگامی که افراد جامعه‌ای بدانند که

برنامه‌ریزان جامعه، آگاهی لازم را جهت پیشبرد اهداف متعالی جامعه دارند، خود را مُلَزَم به رعایت اصول و احکام تبیین‌شده از سوی مجریان امور خواهند کرد.

دانشمندان علوم اسلامی در تعریف چشم‌انداز، آن را متصف به وصف الهی کرده و در توضیح آن آورده‌اند: «در چشم‌انداز دینی و الهی، همه چیز از خداوند آغاز می‌شود و به او پایان می‌یابد و او محور همه‌ی هستی است. اسلام به‌مثابه‌ی کامل‌ترین دین الهی، چشم‌اندازی ژرف و تصویری همه‌جانبه‌نگر از هستی و حیات انسانی فراوری فکر بشر می‌گسترده و همه‌ی ساحات هستی را در یک سامانه‌ی به‌هم پیوسته تعریف می‌کند» (مصباح، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۵). چشم‌اندازی که خدای متعال برای جامعه‌ی ایمانی به تصویر می‌کشد، سرشار از امیدواری به آینده است. غفران و بخشش الهی، آرمان بلندی است که با کمک الهی و تلاش انسان، دست‌یافتنی خواهد بود. کوششی که شایسته است با برنامه‌ریزی دقیق‌تر انجام گیرد تا رسیدن به مطلوب آسان‌تر شود. از جمله آیاتی که در بردارنده‌ی این چشم‌انداز الهی است، آیه‌ی ۲۶۸ سوره‌ی بقره است که می‌فرماید: «وَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا»؛ خداوند وعده‌ی آمرزش و فزونی به شما می‌دهد. «خداوند دید حقیقت‌بینی و طرق حیات و ابدیت را از هر سو باز و گسترش می‌دهد و چشم‌اندازی متعالی را برای او به تصویر می‌کشد و مسائل زندگی و مسئولیت‌ها را آموزش می‌دهد و الطاف و نعمت‌های بی‌پایانش را می‌نمایاند و دل‌ها را آرامش می‌بخشد؛ چون هدف انسان به تناسب مقام برتری که دارد، رسیدن به کمال ربوبیت و تلاقی با رب است. در واقع، نوع انسان کوشای به سوی این مقصد می‌باشد» (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۲۴۲).

مقام معظم رهبری در بحث اثرگذاری چشم‌انداز، چشم‌اندازی را نجات‌بخش می‌داند که بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین^(ع) تدوین شود، در آن صورت است که مسیر هدایت افراد، هموار خواهد شد؛ زیرا از مهم‌ترین اصول جامعه‌ی دینی، نهادینه کردن قرآن در جامعه است. «چشم‌انداز آینده، اگر بر مبنای قرآن و روایات معصومین^(ع) طراحی و تبیین شود، امیدوارکننده و نجات‌بخش خواهد بود؛ چراکه رکود، جمود، رذایل اخلاقی، بی‌عدالتی و مشکلات دیگر از بین خواهد رفت» (سعدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).
با توجه به تعاریف ذکرشده درباره‌ی چشم‌انداز به دست می‌آید که چشم‌انداز یا دورنمای جامعه، همان مقصد و آرمان و آینده‌ای واقع‌گرایانه، محقق‌الوقوع و جذاب برای آن جامعه است. هدف ما از ترسیم چشم‌انداز دینی، تبیین آینده‌ی بهتر، موفقیت‌آمیزتر و مطلوب‌تر مبتنی بر آیات قرآن و روایات معصومین^(ع) در جامعه است. از آنجاکه چشم‌انداز ارتباط نزدیکی با مقوله‌ی رهبری و مدیریت جامعه دارد، لذا نقش هدایت‌گری چشم‌انداز نیز باید بررسی و تبیین شود تا بتواند جامعه را به سوی کمال مطلوب پیش برد. برای این مقصود، قرآن به عنوان بهترین هدایتگر، محور چشم‌انداز قرار خواهد گرفت. به عبارتی، از آنجاکه هدف این نوشتار تدوین و تبیین چشم‌اندازی مطلوب برای جامعه‌ی دینی در قرآن و حدیث است، لذا تدقیق در آیات قرآن و آیینی‌ی روایات ضروری به نظر می‌رسد.

۲. جامعه‌ی دینی

«واژه‌ی جامعه از نظر لغوی، به معنای "گرد کردن امور متفرق" است» (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴۲). این واژه در عرف بر معانی و مصادیقی همچون انجمن، اتحادیه، مجمع (بندرریگی، ۱۳۸۷، ص ۷۴)، اجتماع

حوزه، حلقه، مردم یک کشور، شهر یا ده (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۵، ص ۸۵) دلالت دارد. «جامعه، یعنی گروهی از مردم یک شهر یا کشور که با همدیگر زندگی می‌کنند یا تمام مردم جهان یا صنفی از مردم» (معین، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰۸). «جامعه، وضع و حالت انسان‌هاست که تحت یک قانون مشترک زندگی می‌کنند» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۵، ص ۸۸).

این واژه در قرآن به صورت مستقل به کار نرفته است؛ اما واژگانی همچون «أمت، ناس، أناس، شعوب، قوم، قبائل، قَرْن، قرون، شریعت، شرعه، شریعت، منهاج، ملاً» به کار رفته است که بیانگر رویکرد مفاهیم اجتماعی در قرآن است (نک: مطهری، ۱۳۵۳ش، ص ۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

جامعه‌ی دینی در کلام اندیشمندان دینی با عبارات دقیق و تیزبینانه‌ای آمده است؛ از جمله شهید مطهری جامعه‌ای را دینی می‌داند که مردم، خدای متعال را ناظر بر رفتارهای خود می‌دانند و سعی در تطابق رفتارهای خود با اراده‌های خدای متعال دارند (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۱۷). «جامعه‌ی دینی، همان جامعه‌ی انتظارمحور است و مشخصه‌ی اصلی آن، اجرای دقیق عدالت قضایی، اقتصادی، معیشتی و ... است» (حکیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۹). جامعه‌ی دینی معادل واژه‌ی امت اسلامی است و استعمال آن برای گروهی از انسان‌ها که بر اساس دین و احکام الهی و رهبری الهی، متحد شده و به تشکیل جامعه‌ای با اهداف مشترک اقدام کرده‌اند، برای اولین بار توسط قرآن، صورت گرفته است (متولی، ۱۹۸۶م، ص ۱۷۱). ساموئل هانتینگتون در این باره می‌نویسد: «دین اسلام با طرح جامعه‌ی دینی و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس قوانین آسمانی، تقسیم‌بندی نوینی را در جوامع بشری به وجود آورده است و آن را به دو بخش "دارالسلام و دارالحرب" دسته‌بندی نمود. در این دسته‌بندی، امت اسلام در بخش دارالسلام و غیرمسلمانان در بخش دارالحرب قرار می‌گیرد و لذا معیار اصلی در این تفکیک، اعتقاد به دین اسلام یا عدم اعتقاد به آن است» (هانتینگتون، ۱۳۸۷ش، ص ۴۲۲).

در مجموع می‌توان گفت که جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی پرورش‌دهنده‌ی افراد بر اساس آموزه‌های الهی است و وجه تمایز آن‌ها با دیگر جوامع، در بُعد رفتاری و عقیدتی است. چنانچه روح دین در افراد جامعه اثرگذار باشد و آنان را از تعدی به حقوق هم‌نوعان بازدارد، قالب کلی جامعه نیز دینی خواهد شد.

۳. تربیت

تربیت در زبان فارس، به معنای «پروردن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا بالغ شدن» و به معنای «آموزش و پرورش» هم آمده است (دهخدا ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۵۵۰؛ عمید، ۱۳۸۹، ص ۴۲۵؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۶۳). اهل لغت، اغلب تربیت را با توجه به ریشه‌ی «رب، یرب» تعریف کرده‌اند. برخی از کتاب‌های لغوی معتبر مانند لسان العرب و تاج العروس، بعضی مشتقات واژه‌ی تربیت مانند «رَبِّ، تَرَبَّب، رَبِّي و تَرَبَّبِي» را به رغم اینکه از دو ریشه‌ی متفاوت «ربب» و «ربو» هستند، در کنار هم بیان کرده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

مصطفوی در «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» آورده است که وقتی ماده‌ی «ربو» در مورد تربیت انسان به کار رود، مراد رشد و نمو و تربیت بدنی، جسمانی و مادی است، برخلاف «تربیت» از ریشه‌ی

اصلی «ربب» که به معنای «سوق به سمت کمال معنوی» است (مصطفوی، ۱۳۷۹، ص ۵۹). از آنجاکه تربیت انسان، پیچیده و دارای ابعاد، آثار و لوازم فراوانی است، به نظر می‌رسد معانی متعددی مانند اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی کردن، تأدیب، چیزی را ایجاد کردن و به تدریج تکامل بخشیدن و حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و نمو و تتمیم که برای ریشه‌ی «ربب» و «ربو» نقل شده است تا آن آثار و لوازم، سوق‌دهنده‌ی آدمی به سوی کمال باشند.

مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه‌ی دینی

غرض اصلی از تشکیل هر جامعه، دستیابی به اهدافی است که منطبق با مبانی و اصول حاکم بر آن جامعه باشد و بالطبع، جامعه‌ی دینی نیز به فراخور ظرفیت‌ها و آرمان‌های خود، دارای اهدافی است که با تبیین چارچوب تربیتی مشخص، سعی در تحقق آن‌ها دارد. یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی جامعه‌ی دینی عبارت است از: «رشد کمالات انسانی و شکوفا کردن استعدادها». در این نگاه، «تربیت، عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است و فراهم کردن زمینه‌ی رشد استعدادی که در او وجود دارد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۱۶). پژوهش حاضر به دنبال تبیین اهداف تربیتی، مبتنی بر آیات و روایات است تا استعدادهای درونی افراد دین‌محوری را که در قالب اجتماع انسانی به عنوان جامعه‌ی دینی قلمداد می‌شوند، شکوفا سازد. در این رهگذر، با اعتقاد به توانایی انسان‌های دین‌مدار در خلق زیبایی‌ها و نیکویی‌ها، بر خردورزی جامعه‌ی دینی تأکید شده است. انسان دین‌مدار، کمال‌گرا بوده و چنانچه در مسیر تربیتی صحیح قرار بگیرد، به کمال مطلوب خویش خواهد رسید. چنین انسانی با قرار گرفتن در چارچوب تربیتی جامعه‌ی دینی که مدنظر اسلام است، زودتر و بهتر به هدف خواهد رسید. قرآن کریم جامعه‌ای را تربیت یافته می‌داند که افراد آن با عمل به فرامین هدایت‌بخش الهی، رفتار دینی خود را در چارچوب آموزه‌های الهی قرار دهند و اولویتشان مواظبت بر رفتار خود و فرزندان باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ» (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌ی خود را از آتشی که هیزم آن، مردم و سنگ است، ایمن کنید. «تربیت باید به نحوی باشد که دوری از آتش و عذاب عظیم الهی را تأمین کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۸۶). پس از آنکه انسان رفتار خود را در چارچوب تربیت دینی، نظام‌مند کرد، به کمال رساندن و هدایت او رسالتی است که توسط قرآن انجام می‌پذیرد: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۹)؛ این قرآن شما را به بهترین برنامه‌ها رهنمون می‌سازد. «در حقیقت، قرآن آمده است انسان را تربیت کند و او را به کمال انسانیت، هدایت و رهبری کند و به کمال مطلق پیونددش دهد. قرآن کتاب هدایت و رساندن انسان به اوج معنویت است و هدف نهایی آن، تأمین عزت و سعادت آدمی در دو جهان است» (طباطبایی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹). از آنجاکه اساس تربیت دینی بر مبنای تعقل و خردورزی است، در چشم‌انداز جامعه‌ی دینی، بر دانایی‌محوری مبتنی بر خردورزی افراد، با تکیه بر توانایی آنان در خلق زیبایی‌ها و نیکویی‌ها تأکید شده است.

یافته‌های پژوهش

اهداف و مؤلفه‌های تربیتی چشم‌انداز جامعه‌ی دینی، جهت رشد کمالات انسانی را می‌توان در چهار محور بررسی کرد؛ که عبارتند از:

- الف) دانایی
- ب) توانایی
- ج) زیبایی
- د) نیکویی

۱. دانایی

دانایی از صفات برجسته‌ی انسان است که او را از دیگر موجودات، متمایز کرده است. با شکوفا شدن این اصل، مرزهای شناخت بشر گسترش می‌یابد و نابسامانی‌های جامعه در ابعاد مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فردی، ریشه‌کن خواهد شد و با به‌کارگیری آن در ساحات مختلف زندگی، راه کمال هموار خواهد شد.

در آموزه‌های دینی از دانایی و خِرَد با تعبیر «عقل» یاد شده است. در ادبیات عرب، واژه‌ی «عقل» به معنای «نگه‌داشتن، بازداشتن و حبس کردن است و از عقال یعنی زانوبند شتر گرفته شده است که بازدارندگی را می‌رساند و بر نیرویی بازدارنده و مهارکننده دلالت دارد؛ مانند بستن شتر با عقال» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۷). همان‌گونه که عقال، شتر را از حرکت بی‌جا بازمی‌دارد، نیرویی به نام عقل جان در انسان وجود دارد، که او را از نادانی و لغزش در اندیشه و عمل بازمی‌دارد.

در فرهنگ قرآن، دعوت بر اندیشه‌ورزی و دانایی از ابتدای نزول قرآن تأکید شده است و با سفارش به خواندن، یادگیری و نوشتن، زمینه‌ی دانایی جامعه را فراهم می‌سازد. آیات اول سوره‌ی مبارکه‌ی علق: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق، ۴-۱)؛ بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید... همان کسی که به وسیله‌ی قلم تعلیم داد و به انسان آنچه را نمی‌دانست، آموخت» و همچنین آیه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی قلم: «وَ الْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ (قلم، ۱)؛ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند»، از تأکید خدای متعال بر دانایی‌محوری جامعه‌ی دینی حکایت دارند.

علاوه بر این آیات فوق، واژه‌هایی که مردم را به تعقل و اندیشه دعوت می‌کند، بسیار است؛ ازجمله‌ی آن‌هاست: واژه‌ی عقل: ۴۹ بار، فقه (فهم): ۲۰ بار، فکر: ۱۸ بار، ذکر: ۲۷۴ بار، تدبر: ۴ بار و لُب: ۱۶ بار که همگی این واژه‌ها از اهمیت دانایی‌محوری در فرهنگ اسلام حکایت می‌کنند. دعوت به تفکر و خردورزی که از لوازم دانایی است، در آیات متعدد قرآن آمده است؛ ازجمله تعقل و تدبر در قرآن را امری ضروری دانسته و می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء، ۸۲)؛ آیا درباره‌ی قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند». و یا درباره‌ی تفکر در خلقت آفرینش چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ... يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا (آل عمران، ۱۹۱)؛ همان‌ها که ... در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) بارالها! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای!» «اندیشه در خلقت و آفرینش، سبب می‌شود تا عاقلان بتوانند بر

یگانگی خدا و کمال قدرت و علم او استدلال کنند و تفکر باطل بودن آفرینش را از بین ببرند و از طرفی، با تفکر دائمی در خلقت به اسرار از آسمان‌ها و زمین دسترسی خواهند یافت» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۰۱). شایسته است در جامعه دینی، تفکر و اندیشه‌ورزی رواج یابد تا دانایی محوری، بر روح کلی جامعه حاکم شود.

پیامبر اکرم^(ص) در تبیین واژه‌ی عقل و کاربرد بازدارندگی آن به منظور دانا شدن جامعه و رهایی از جهل عمومی، چنین فرمودند: «عقل بازدارنده از جهل است و نفس، مانند پلیدترین چارپاست که اگر مهار نشود، سرگردان می‌شود، پس عقل، مهار جهل است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵). علی^(ع) نیز در توصیف فرد دانا چنین می‌فرماید: «دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان همین بس که شناخت خود و ارزش‌ها و استعداد‌های خود، برترین شناخت‌هاست و هیچ چیز مانند آن، کفایت‌کننده‌ی آدمی نیست» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۳، ص ۱۴۸). در حقیقت، تا انسان به خود نیاید و قدر خویش را نشناسد و از بیگانگی با خود دست بر ندارد، نمی‌تواند وجودش را که گران‌بهارترین و والاترین گوهر هستی است، در جهت تربیت حقیقی به کار اندازد و استعداد‌های شگفت خویش را شکوفا کند.

مسئله‌ی جامعه‌ی دینی که منطبق بر فرهنگ اسلامی استوار است، به طریق اولی باید این مهم را در اجتماع گسترش دهد تا مرزهای نادانی و جهالت را بشکند و اندیشه‌ی دینی را به بشریت عرضه دارد. توصیه‌ی رسول خدا^(ص) به یادگیری علوم، از خردگرایی جمعی در جامعه‌ی اسلامی حکایت دارد تا همه‌ی افراد، مشخص به شاخصه‌ی دانش و خرد شوند. در چنین جامعه‌ای، خردمندان به دنبال پیاده کردن احکام الهی در جامعه هستند و باطل و نادانی را دشمن می‌دارند. عالمان به مقام حقیقی خود دست می‌یابند و در اداره‌ی جامعه، دخالت مستقیم خواهند داشت، لذا بی‌تدبیری‌ها از جامعه‌ی دینی کنار زده خواهد شد و رشد و شکوفایی برای همگان به ارمغان می‌آید. شایسته است برای تحقق این امر، خردورزی جمعی در سرتاسر جامعه گسترش یابد؛ زیرا مطابق آموزه‌های قرآن کریم و رهنمودهای پیشوایان دین، دانایی محوری را باید جان‌مایه‌ی دین و دینداری دانست. از نظر اجتماعی و نظام تشکیلاتی هم جامعه‌ای را می‌توان جامعه‌ی آرمانی نامید که از خرد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خرد در عبادت و معاشرت برخوردار باشد. همان‌گونه که در وصف جامعه‌ی موعود آمده است، با عنایت و توجه ویژه‌ی امام مهدی (عج)، مغزها و افکار در مسیر کمال به حرکت درمی‌آیند و اندیشه‌ها شکوفا می‌شوند. تمام کوتاه‌بینی‌ها و تنگ‌نظری‌ها که سرچشمه‌ی عقب‌ماندگی‌های فکری است، برطرف می‌گردد. مردمی بلندنظر، با افکاری باز، سینه‌هایی گشاده، همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می‌یابند. آنان بسیاری از مشکلات اجتماعی را در روح خود حل می‌کنند و جهانی آباد و متکامل می‌سازند. این دوران، دوران برتری دانایی بر نادانی است که نتیجه‌ی آن تشکیل جامعه‌ی آرمانی مهدوی است. امام باقر^(ع) در این باره چنین می‌فرماید: «وقتی قائم ما قیام کند، دست عنایتش را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله، عقل آنان زیاد شده و فهمشان کامل می‌گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵). بر این اساس است که وقتی به توصیف جامعه‌ی موعود جهانی پرداخته می‌شود، بر موضوع دانایی تأکید شده و تصریح می‌گردد که جامعه‌ی موعود، جامعه‌ای است که از بالندگی و رشد عقلانی کامل برخوردار باشد و دانایی محوری از مؤلفه‌های اصلی در چشم‌انداز آن جامعه

به‌شمار آید.

یکی از لازمه‌های دانایی‌محوری، تدبیر درست امور و به‌جا آوردن هر چیز در شرایط و موقعیت خود و یا همان فرصت‌شناسی است. قرآن کریم با تأکید بر اهمیت این اصل، شناخت جایگاه‌ها را از دوران کودکی واجب شمرده و در این‌باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصْعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» (نور، ۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست. «یکی از علل اختصاص دادن سه وقت خاص به والدین، حفظ حرمت و جایگاه آنان است که از همان اوان کودکی، باید به فرزندان آموزش داد تا موقعیت‌شناسی در درون آنان نهادینه شود و در دوران نوجوانی و جوانی نیز، با حفظ جایگاه‌ها به تدبیر امور خود بپردازند» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۴۷). جامعه‌ای که بر آگاهی‌بخشی و رعایت مسائل تربیتی از اوان کودکی تأکید دارد، مسلماً در دانا شدن سطح عمومی جامعه نیز دارای طرح و برنامه خواهد بود.

توجه درست به شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین عنصر زمان و مکان، لازمه‌ی تصمیم‌گیری کارشناسانه و اقدام مناسب جهت تحقق دانایی در چشم‌انداز جامعه‌ی دینی خواهد بود. با نگاه تاریخی به آغاز تشکیل جامعه‌ی دینی توسط نبی مکرم اسلام (ص) و اتفاقات پس از رحلت ایشان، اقدام شایسته‌ی امیرمؤمنان (ع) در حفظ کیان جامعه‌ی دینی از آفت تشتت و دودستگی و خطر حذف کلی نهال نوپای دینی، مؤید این مطلب است که فرصت‌شناسی از اساسی‌ترین موضوعات تربیتی مبتنی بر دانایی‌محوری در اداره‌ی جامعه‌ی دینی است.

۲. توانایی

توانمند بودن جامعه‌ی دینی نیز یکی از مؤلفه‌های چشم‌انداز تربیتی محسوب می‌شود. با این نگاه، باید ناتوانی از جامعه‌ی دینی مرتفع شود و همگان در راستای توانمندشدن تلاش کنند. خمودگی و سستی که نتایج ناتوانی هستند، در اجتماع مؤمنان، جایگاهی نداشته و همه با روحیه‌ی جهادی و هدفمند در ارتقاء اراده‌ی جامعه، اثرگذار خواهند بود. در چشم‌انداز تربیتی جامعه‌ی دینی، توانا بودن، توانمند شدن و توانمند ساختن افراد، خصیصه‌ی اصلی تمام افراد و نهادهای جامعه بوده و همگان در راستای توانمندی جامعه، تلاش و همکاری می‌کنند. «از نظر قرآن، انسان موجودی است که با توجه به ظرفیت وجودی خویش در پذیرش امانت الهی، توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد، فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد و به بالاترین درجه‌ی هستی نائل آید» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۶۸). به طریق اولی، این توانایی و توانمندی در جامعه‌ی دینی نیز از شرایط لازم جهت به‌کارگیری افراد و تقسیم مسئولیت‌ها است. این مطلب را خدای متعال در قالب داستان حضرت موسی (ع) و یوسف (ع) به‌روشنی بیان فرموده است. یکی از شروط اصلی خانواده حضرت شعیب (ع) در به‌کارگیری موسی (ع)، توانایی ایشان در احقاق حق دختران شعیب معرفی شده و آمده است: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص، ۲۹)؛

پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، آن کسی است که توانمند و امین باشد. «بدیهی است منظور از قدرت و توانمندی، تنها توانایی جسمانی نیست، بلکه مراد توانایی بر انجام مسئولیت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۶۴). با این نگاه، مدیر توانمند کسی است که حوزه‌ی مأموریت خود را به خوبی بشناسد، در برنامه‌ریزی مسلط و در تنظیم کارها مهارت لازم را داشته باشد، هدف‌ها را روشن کند و نیروها را برای رسیدن به هدف بسیج نماید. شایسته است در این مسیر، از خدای متعال مدد بگیرد، همان‌گونه که امیرالمؤمنین^(ع) در مسیر خدمت الهی، دست نیاز به سوی ذات احدیت دراز کرده و می‌فرماید: «پروردگارا! اندام‌های مرا در راه خدمتت نیرومند ساز و اراده‌ام را در کارها قوت بخش» (فرازی از دعای کمیل). حضرت یوسف^(ع) نیز در پذیرش مسئولیت خزانه‌داری مصر در زمان قحطی و خشکسالی، توانمندی خود را مطرح کرده و با توجه به توانایی خود در پذیرش مسئولیت اصرار می‌ورزد: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف، ۵۵)؛ یوسف گفت: مرا سرپرست خزاین سرزمین مصر قرار ده، که من نگاهبانی آگاهم». سیدبن‌قطب در شرح مسئولیت‌پذیری یوسف^(ع) آورده است که: «یوسف می‌دانست ریشه‌ی مهم نابسامانی‌های آن جامعه‌ی مملو از ظلم و ستم، در مسائل اقتصادی‌اش نهفته است. اکنون که آنان به سراغ او آمده‌اند، چه بهتر که با توجه به توانمندی خود، نبض اقتصاد کشور مصر را در دست گیرد و به یاری مستضعفان بشتابد، از تبعیض‌ها تا آنجا که قدرت دارد بکاهد، حق مظلومان را از ظالمان بگیرد و به وضع بی‌سر و سامان آن کشور پهناور سامان بخشد» (سیدبن‌قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۰۵). با این تعبیر به دست می‌آید که مدیریت جامعه، مسئولیتی است که باید بر اساس عنصر شایستگی به افراد لایق و توانمند اعطا شود و لازمه‌ی اصلی این شایستگی، تعهد و تدین افراد همراه با تخصص آنان است. تفویض حکومت به طالوت از جانب خدای متعال نیز همراه با اعطای توانمندی جسمی و علمی به او همراه بوده است و این توانایی سبب وجوب اطاعت مردم از او شده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره، ۲۴۷)؛ خدا او را بر شما برگزیده و او را در دانش و توانایی جسمانی فزونی بخشیده است. «جامعه‌ی دینی، زمانی به تعالی و کمال خواهد رسید که افراد بر اساس شایستگی‌ها، عهده‌دار مسئولیت‌ها شوند و شروط الهی در چپش افراد جهت تصدی امور جامعه رعایت گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۸۶). ضعیف بودن حاکمیت و ناتوانی آن از عوامل بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و به دنبال آن دامن زدن به زمینه‌های ناامنی است. اگر حاکمیتی از اقتدار و توانمندی لازم برخوردار نباشد، در این میان تبهکاران، عرصه‌دار میدان شده و باعث هرج‌ومرج و ناامنی در اجتماع می‌شوند؛ به همین دلیل خدای متعال در واگذاری حکومت به طالوت، توانمندی جسمی و قدرتمند بودن او را نیز بیان کرده و بر آن تأکید فرموده است.

از ثمرات مهم توانمندی جامعه‌ی دینی، استقلال آن جامعه در ابعاد مختلف خواهد بود؛ زیرا وابستگی به بیگانگان در جامعه‌ی توانمند، جایگاهی نخواهد داشت. علامه جوادی آملی با استناد به آیه‌ی ۱۰۳ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء در این‌باره آورده است که از جمله‌ی «خُذُوا حِذْرَكُمْ» به دست می‌آید که امت واحد و متحد اسلامی، باید از توانمندی لازم و کافی برخوردار باشد تا بیگانه هیچ‌گونه طمعی به استثمار جامعه‌ی اسلامی نداشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۱۳۰). در حقیقت، جامعه‌ی دینی، متشکل از افرادی است که متصف به وصف حزب‌الله هستند و آن عبارت است از توانایی در شکست دشمنان؛

لذا به تصدیق قرآن، همیشه پیروز خواهند بود: «قَائِنَ حَزْبِ اللَّهِ هُمُ الْعَالِبُونَ» (مائده، ۵۶). مسلماً لازمه‌ی غلبه کردن بر دشمنان درونی و بیرونی، توانمند بودن و توانایی در دفع خطرات دشمنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۲۳، ص ۱۵۵). در حقیقت، عزت و سربلندی در سایه‌ی قدرتمند بودن و توانمندی جامعه‌ی اسلامی برای مسلمانان فراهم خواهد شد.

گفتنی است افراد جامعه در کسب قدرت و توانایی برای اداره‌ی جامعه و مقابله در برابر دشمنان، مُکَلَّف و مسئول‌اند تا جامعه از جهالت و نادانی رهایی یابد و صرف ناتوان بودن، مسئولیت و تکلیف از انسان ساقط نمی‌شود. به همین خاطر است که در کلام معصومین^(ع)، توانا بودن از نشانه‌های عقل و تنبلی و سستی را از علائم جهل و نادانی به شمار آمده است: «خدای متعال توانمندی را در صف سپاهیان عقل و تنبلی را در شمار سپاهیان جهل قرار داده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱). امام علی^(ع) نیز ریشه‌ی خرد و دانایی را، توانایی به شمار آورده است (همان). لذا امام علی^(ع) در سفارشی عالمانه به امام حسن^(ع)، توانمندی در رویایی با دشمن را از شروط اصلی دانسته و می‌فرماید: «پیش از توانمندی، بر دشمن یورش مَبْرَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴۷). جامعه‌ی دینی با قدرت در مسیر رشد و تکامل جامعه، گام خواهند برداشت و توانایی‌های خود را در حل مشکلات جامعه به کار خواهد گرفت. این توانمندی‌ها در مسائل مدیریتی و فرهنگی جامعه تجلّی خواهد داشت. چنانچه جامعه‌ای در مسائل فرهنگی، پرتلاش ظاهر شود و ضعف‌های فرهنگی را با اتکا به رهنمودهای الهی در قرآن، مرتفع سازد، راه کمال خود را هموار کرده است؛ زیرا مسائل فرهنگی زیربنای تربیت جامعه بوده و در ارتقاء جامعه نقش بسزایی را ایفا می‌کنند.

۳. زیبایی

در قرآن کریم و احادیث، از مفهوم «زیبا و زیبایی»، به «حُسن» و «جمال و جمیل» تعبیر شده است. «حُسن» یعنی زیبایی و یا هر چیزی که شادی‌آور و خوش‌آیند باشد (داورپناه، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۴۱۲). حسن و جمال به یک معنا و برای بیان زیبایی به کار برده می‌شوند (مصطفوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۲).

زیبایی نیز به مانند دانایی و توانایی، از مؤلفه‌های اصلی چشم‌انداز تربیتی جامعه‌ی دینی است. زیبایی‌های نهفته در جهان خلقت و همچنین آفرینش انسان، نامحدود بوده و این زیبایی‌ها با دقت و تفکر تبیین می‌شوند. زیبایی مطلق از آن خدای رحمان است و او منشأ هر زیبایی است و همه‌ی عالم، جلوه‌ای از زیبایی اوست. انسان نیز به اقتضای فطرت خود اهل زیبایی و زیبایی دوستی است و بنا بر خصیصه‌ی کمال‌طلبی، زیبایی‌ها را در رفتار و منش خود، بارور خواهد ساخت تا به کمال مقصود دست یابد. زیبایی مانند عدالت، آرمانی و مطلوب همگان بوده و آن را از ارکان تمایلات عالی انسانی به شمار آورده‌اند (ر.ک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۶۱).

دین به عنوان مجموعه‌ی منظمی که رفتارهای انسان را در زیباترین الگو ساماندهی می‌کند، جلوه‌گر زیبایی‌های حق در بهترین ساختار بوده و این آرمان را محقق می‌سازد. اگر دین با همان زیبایی‌ها که پیشوایان معصوم^(ع) معرف آن بوده‌اند، ارائه شود، همه‌ی انسان‌ها به اقتضای فطرتشان با آن پیوند می‌یابند و بدان دل می‌سپارند و مسیر ترقی و کمال را طی خواهند کرد. دین مبین اسلام از رهگذر آیات قرآن

کریم، زیبایی موجود در آفرینش را زیباترین شکل دانسته و می‌فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده، ۷)؛ آن خدایی که هر چه را خلق کرده، زیبا و به بهترین شکل آفریده است. «هر چیزی که مخلوق خداست، به آن جهت که منسوب به او است، زیبا است، پس زیبایی دایره مدار خلقت است و هیچ موجودی نیست، مگر آنکه به احسان خدا زیبا و به اجمال او جمیل است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۱۲). در جامعه‌ی دینی منطبق با آیات الهی نیز همه چیز بر محور زیبایی و زیباندیشی خواهد بود.

قرآن کریم علاوه بر زیبایی‌های ظاهری که ملموس و قابل تحصیل هستند، نوعی زیبایی درونی را یادآور می‌شود که شایسته‌ی مؤمنان بوده، دل‌هایشان به وسیله‌ی آن، زینت می‌یابد و آن عبارت است از آراسته شدن به فضیلت ایمان: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ (حجرات، ۷)؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است. علامه طباطبایی زینت دادن دل‌ها با عنصر ایمان توسط خدای متعال را، لطف الهی دانسته و باعث خروج طغیانگری از جامعه‌ی دینی می‌داند؛ زیرا در نتیجه‌ی این لطف، اثرات ایمان در جامعه نمایان می‌شود و همگان خود را ملزم به گسترش خصلت‌های زیبا می‌کنند و از ظلم و تجاوز که ویرانگر سیمای زیبای جامعه است، دوری می‌گزینند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۲). امام علی^(ع) در این باره می‌فرماید: «زیباگرایی و توجه به زیبایی‌ها، جزو خلق و خوی مؤمنان است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰۷). اگر جامعه‌ای به اخلاق زیبانگری و زیباندیشی متخلق شود، بسیاری از کدورت‌ها و کج‌اندیشی‌ها از بین خواهد رفت و همگان در پرتو ایمان واقعی، در صلح و صفا زندگی خواهند کرد.

در حقیقت، زیبایی سایه‌افکننده بر خلقت در سرتاسر گیتی، جلوه‌گر زیبایی خدای متعال است و همان‌گونه که خدای متعال زیباست، حُسنِ جمال خود را به مخلوقات نیز عطا فرموده است. در روایتی از رسول خدا^(ص) به این جلوه‌گری اشاره شده است: «خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست می‌دارد که آثار نعمت زیبایی را بر بنده‌ی خویش ببیند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳۹). توجه به زیبایی‌های خویش و آشکار ساختن و بهره‌مندی از آن، از اموری است که خداوند آن‌ها را دوست دارد. با نگاه زیبا به هستی است که می‌توان چشم‌اندازی مطلوب را برای جامعه‌ی دینی ترسیم کرد. با این نگاه است که می‌توان پس از تحمل مصائب طاقت‌فرسا، زبان به تمجید باری تعالی باز کرد و در برابر طاغوت‌های زمانه، چنین استوار و محکم پاسخ داد که «چیزی جز زیبایی ندیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۱۶).

امیرالمؤمنین^(ع) که والاترین نمونه‌ی تربیت‌یافته در جامعه‌ی دینی نبوی است، علاوه بر پیشتازی در میدان جهاد و تقوا و دانش و ... در عرصه‌ی زیبانگری و ترویج آن نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده است. ایشان مردمان را بدین حقیقت متوجه می‌کند و پیوسته درس زیبایی‌شناسی می‌دهد، چنانچه در کتاب شریف نهج‌البلاغه نمونه‌های زیادی از توجه به زیبایی‌ها و هدایت مردم به سمت نیکویی مشاهده می‌شود. آن حضرت^(ع) آفرینش شگفت‌انگیز طاووس را که نمونه‌ای از زیبایی‌های خلقت است، این‌گونه شرح می‌دهد: «شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش، طاووس است که آن را در استوارترین شکل آفریده است و رنگ‌های آن را به نیکوترین ترتیب مرتب ساخته، با پری که نای استخوان‌های آن را به هم درآورد و دُمی که کشش آن را دراز کرد. چون به سوی ماده پیش رود، آن دُم درهم‌پیچیده را واسازد و بر سر خود برافرازد که گویی خود می‌نازد و خرامان‌خرامان دم خود را بدین سو و آن سو می‌برد و سوی ماده می‌نازد»

نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۵). به‌کارگیری تعبیری چنین زیبا و دلنشین در وصف یک پرنده، نشان از فطرت زیادوستی و اندیشه‌ی نیکوپرور آن حضرت است.

پس می‌توان گفت که اگر زیبایی و زیباندیشی در جامعه به عنوان مؤلفه‌ی اساسی چشم‌انداز فرهنگی پذیرفته شود، دارای آثار و پیامدهای اثرگذاری است؛ ازجمله اینکه اگر این رویه در میان افراد جامعه نهادینه شود و با زیباندیشی به پدیده‌های اطراف خود بنگرند، روابط خود را بر اساس معیار زیبایی سامان می‌دهند و روح کلی جامعه، به سوی زیبانگری و زیباندیشی سوق می‌یابد. در چنین جامعه‌ای، مطلوب و آرمان همگان این است که به سوی معبود زیبایی حرکت کنند و صفات زیبا را در خود پرورش دهند و رفتار نیکویی از خود بروز دهند.

۴. نیکویی

تصحیح نگرش افراد اجتماع بر مبنای نیکویی، از دیگر ارکان اساسی در چشم‌انداز فرهنگی جامعه‌ی دینی است. اگر اندیشه، رفتار، گفتار و تصمیم‌گیری افراد در جامعه‌ی دینی بر پایه‌ی نیکی و احسان استوار شود، زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه از بین خواهد رفت و صلح و صفایی که قرآن همگان را به آن دعوت می‌کند، در اجتماع انسانی، فراگیر می‌شود.

قرآن کریم برای گسترش نیکویی در جامعه، ابتدا به نیکو سخن گفتن، دعوت کرده و در این‌باره می‌فرماید: «و قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳)؛ با مردم به نیکویی سخن بگویند. نیکو سخن گفتن، اولین مرحله در پیشبرد اهداف تربیتی چشم‌انداز فرهنگی است؛ زیرا سخن منطقی و نیکو در جذب مخاطبان اثرگذاری فوق‌العاده‌ای دارد: «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ» (اسراء، ۵۳)؛ به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین و نیکوترین باشد؛ چراکه شیطان «به وسیله‌ی سخنان ناموزون» میان آنان فتنه و فساد می‌کند. «مکتب هر قدر عالی باشد، از نظر منطق و کلام، قوی و نیرومند خواهد بود و در گفتگو با دیگران، با لطف و محبت برخورد خواهد کرد و از بهترین سخن از نظر محتوا و طرز بیان همراه با فضائل اخلاقی و روش‌های انسانی بهره خواهد گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۵۷). شایسته‌ترین نیکویی در این ارتباط، نیکو سخن گفتن با پدر و مادر است که قرآن با تأکید فراوان آن را بیان می‌کند: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳)؛ بر آنان فریاد مزین و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنان بگو. «از نظر سنت اجتماعی و به حکم فطرت، لازم است آدمی در نهایت ادب و احترام با پدر و مادر خود سخن بگوید و به نیکی با ایشان برخورد کند؛ زیرا اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با والدین با نیکویی برخورد نکنند، قطعاً آن عاطفه از بین رفته و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۷۸). علی^(ع) درست صحبت کردن را از نشانه‌های افراد باتقوا دانسته و می‌فرماید: «یکی از فضائل متقین آن است که نیکو سخن می‌گویند» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳). امام صادق^(ع) نیز در این‌باره می‌فرماید: «نیکو سخن گفتن از نشانه‌های کمال انسان است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۳).

در آموزه‌های دینی، علاوه بر کلام نیکو، بر نیکویی در رفتار و کردار نیز تأکید شده و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است. چنانچه افراد، نیکویی را سرلوحه‌ی رفتارها و کردارهای خود قرار

دهند و چشم‌انداز تربیتی جامعه‌ی دینی را بر این مبنا، طراحی و عملیاتی کنند، نیکویی سرتاسر جامعه را در بر خواهد گرفت. در چنین جامعه‌ای، روابط افراد در ابعاد مختلف اعم از روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی بر اساس نیکویی خواهد بود و در نتیجه‌ی آن، نیکویی همچون لباسی بر اندام جامعه پوشیده می‌شود. قرآن کریم رفتار نیکو را، شایسته‌ی تقدیر در دنیا و نجات‌بخش آدمی در آخرت دانسته و می‌فرماید: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ» (نحل، ۳۰)؛ برای کسانی که در این دنیا نیکویی کردند، پاداش نیکویی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است. «چنانچه نیکو در رفتار و منش مردمان تجلی یابد، مجتمع صالحی تشکیل می‌شود که سراسر آن عدل و احسان است و زندگی در آن برابر با رشد و سعادت خواهد بود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۳۴). رفتار و کردار رسول گرامی اسلام^(ص)، بهترین الگوی رفتاری برای جامعه‌ی دینی است که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره و ایشان را برترین الگوی بشری معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی، رسول خدا^(ص) سرمشق نیکویی بود. همان‌گونه که رسول خدا^(ص) با صفاتی همچون اخلاق نیکو، شرح صدر، سخن کریم و بزرگواران، مروج نیکی‌ها در جامعه بودند و حتی در برابر مخالفان نیز، مأموریت «ادْفَعْ بِأَيْتِي هِيَ أَحْسَنُ» را داشتند، مؤمنان هم با پیروی از ایشان به ترویج نیکویی در جامعه همت می‌گمارند. در میان اوصاف رسول خدا^(ص) که همگی سرشار از نیکی هستند، اخلاق نیکوی حضرت^(ص) علت اصلی جذب مخاطبان به دین مبین اسلام بود، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹)؛ اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند. ایشان اخلاق نیکو را موهبتی الهی و درعین حال وظیفه‌ای می‌دانست که بر عهده‌ی همه‌ی پیامبران نهاده شده است: «ما گروه پیامبران، همان‌طور که به انجام واجبات امر شده‌ایم، به مدارا کردن با مردم و اخلاق نیکو نیز امر شده‌ایم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۷). ایشان اخلاق نیکو را از عوامل سعادت آدمی دانسته و می‌فرمایند: «بیشترین چیزی که مردم به سبب آن به بهشت می‌روند، نیکویی اخلاق است» (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۴۳).

در جامعه‌ی دینی مطلوب، همگان در اندیشه‌ی گسترش نیکویی بوده و برای آن تلاش می‌کنند. خدای متعال نیز پاداشی درخور و شایسته‌ی آنان در نظر گرفته است. رسول گرامی اسلام^(ص) در این باره می‌فرماید: «هر که سنت نیکویی بگذارد که پس از مرگش نیز بدان عمل شود، هم اجر خودش را دارد و هم به اندازه‌ی اجر کسانی که به آن عمل می‌کنند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۷۸۰). یکی از سنت‌های پسندیده در جامعه‌ی آرمانی، کمک به دیگران به روش نیکو (بدون منت و اذیت) است. جامعه‌ای که همگان نسبت به همدیگر احساس مسئولیت می‌کنند، تعاون و برادری، خصیصه‌ی بارز آنان خواهد شد و در نتیجه‌ی آن، روابطی نیکو بر جامعه، حاکم می‌شود.

نکته‌ی اساسی در ترویج جامعه‌ی دین‌مدار این است که باید اخلاق نیکو و رفتار مهربانانه با مردم جزء اولویت‌های اصلی مسئولین باشد و خود را در چارچوبی تربیتی مقید و ملتزم نمایند؛ زیرا اگر به نام دین و تحت لوای دینداری، خشونت‌ورزی شود، چهره‌ی دین جز آن می‌شود که باید باشد و صورتی غیرواقعی پیدا می‌کند که این امر سبب تضعیف دین و همچنین موجب وارد شدن آسیب‌های جدی به پیکره‌ی دین و انحراف رفتار و سلوک دین‌مدارانه می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی جامعه‌ی دینی در چشم‌انداز فرهنگی، تحقق مؤلفه‌هایی است که به عنوان اصول اساسی چشم‌انداز دارای اهمیت هستند تا در نتیجه‌ی آن، چشم‌انداز جامعه در بُعد فرهنگ دینی، شکوفا شود. یافته‌های این تحقیق را می‌توان در ابعاد چهارگانه‌ی دانایی‌محوری، توانمند کردن جامعه‌ی دینی، زیبااندیشی و نیکویی تقسیم نمود. در جامعه‌ای که روابط انسان‌ها بر اساس نگاه زیبا شکل می‌گیرد و خشونت و تندروری جای خود را به عطف و مهربانی می‌دهد، توانایی انسان‌ها در پرتو خردورزی و رفتار منطقی، بارور خواهد شد. در چنین جامعه‌ای، سقوط و شکست، جایگاهی نخواهد داشت و همگان در مسیر تعالی و کمال، حرکت خواهند کرد. جامعه‌ی دینی بنا بر ظرفیت جامع دین، با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، خواهد توانست به جایگاه رفیعی که شایسته‌ی آن است، برسد و در مقایسه با جوامع غیردینی، از پیشرفت بهینه‌ای در ابعاد چهارگانه‌ی فوق برخوردار شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی؛ چاپ ششم، تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.
- نهج البلاغه / ترجمه‌ی دشتی؛ چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد التمیمی؛ غرر الحکم و دررالکلم؛ چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد؛ النهاية فی غریب الحدیث و الأثر؛ محقق و مصحح: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی؛ چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی؛ الخصال؛ ترجمه‌ی یعقوب جعفری؛ چاپ اول، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲ ش.
- ابن‌حنبل، احمد؛ مسند؛ تحقیق: عبدالله محمد الدرویش، دار الفکر- بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ ق.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق/مصحح: غفاری، علی‌اکبر، قم، جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۹۷۰ م.
- ابن‌فارس، أحمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ مصحح عبدالسلام محمد هارون؛ چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار لسان العرب، ۱۹۷۰ م.
- ثقفی تهرانی، محمد؛ تفسیر روان جاوید؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ تحقیق حجة الاسلام مصطفی خلیلی؛ چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- _____؛ تفسیر تسنیم؛ چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- _____؛ جامعه در قرآن، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- حکیمی، محمد؛ عصر زندگی؛ قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۲.
- داورپناه، ابوالفضل؛ انوار العرفان؛ چاپ اول، تهران: انتشارات صدر، ۱۳۷۵ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- زبیدی، سید محمد مرتضی؛ تاجالعروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارا حیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق.
- سبحانی‌نیا، محمد؛ رفتار اخلاقی انسان با خود؛ چاپ دوم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
- سعدی، محمد جواد؛ پرسمان قرائت قرآن؛ چاپ چهارم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶ ش.
- سیدین قطب بن ابراهیم شاذلی؛ فی ظلال القرآن؛ چاپ هفدهم، بیروت- قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
- طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن؛ چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ۲۰ جلد، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۷.
- _____؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی، چاپ چهارم، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۸۷.

- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه‌ی مترجمان؛ چاپ اول، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
- طریحی، فخرالدین؛ مجمع‌البحرین؛ تحقیق سید احمد حسینی؛ چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- علم‌الهدی، جمیله؛ مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی «بر اساس فلسفه صدر؛ تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۴.
- عمید، حسن؛ فرهنگ لغت؛ ویرایش فرهاد قربان‌زاده، چاپ اول، تهران: آشجع، ۱۳۸۹.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ العین؛ قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ أصول‌الکافی؛ ترجمه‌ی مصطفوی، چاپ اول، تهران، مؤسسه‌ی بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
- متقی‌هندی، علاء‌الدین؛ کنز‌العمال؛ بیروت: مؤسسه‌ی الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- متولی، عبدالحمید؛ الشریعه الاسلامیه کمصدر اساسی للدستور؛ الطبعة الثالثة، اسکندریه: منشأ المعارف، ۱۹۸۶ م.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار‌الانوار؛ محقق/مصحح: جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دارا حیات التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محدثی، جواد؛ هنر در قلمرو مکتب؛ چاپ سوم، قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب، ۱۳۷۶.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه، الطبعة الاولي، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ جامعه در قرآن؛ به کوشش محمدحسین اسکندری و محمد مهدی نادری قمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)، ۱۳۸۳ ش.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ چاپ سوم، بیروت- قاهره- لندن: دار الکتب العلمیه- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، (بی‌تا)
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ۲۸ جلد، چاپ سوم، قم: صدرا، ۱۳۹۲.
- _____؛ انسان در قرآن؛ چاپ سوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲.
- _____؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲.
- _____؛ جامعه و تاریخ؛ چاپ سوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات اسلامی، ۱۳۵۳.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ملکاوی، فتحی‌حسن؛ گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی؛ ترجمه‌ی غلامرضا متقی‌فر و اسدالله طوسی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
- مهدی‌زاده، حسین؛ کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت و پیامد معنایی آن، چاپ دوم، تهران: معرفت، ۱۳۸۳.
- هانتینگتون، ساموئل پی؛ برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی؛ ترجمه‌ی محمدعلی حمید رفیعی؛ چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.